رجائی، احمدعلی، ۱۳۱۲ -
اسناد سخن می‌گویند: مجموعه کامل اسناد سری مربوط به رویدادها در روابط خارجی ایران با ایالات متحده و انگلستان در دوران نهضت ملی ایران (۱۹۵۴-۱۹۵۱) (مشتمل بر ۵۰۸ سند رسمی بکلی سری و سری)/ در معرفی و بیان اهمیت اسناد این مجموعه فخرالدین عظیمی: پیشگفتار جهانگیر حق‌شناس؛ پژوهش و برگردان احمدعلی رجائی، مهین سروری (رجائی). ــ تهران: قلم، ۱۳۸۲.
۲ ج. (۱۶۸۳ ص): مصور، عکس.
ISBN: 964-316-132-3 (شابک دوره)
ISBN: 964-316-131-5 (ج. ۱)
ISBN: 964-316-133-1 (ج. ۲)
فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
۱. نفت ــ مناقشات ایران و انگلیس، ۱۳۳۰-۱۳۳۳. ۲. مصدق، محمد، ۱۲۶۱-۱۳۴۵ ۳. نفت ــ ایران ــ صنعت و تجارت ــ ملی شدن. ۴. ایران ــ روابط خارجی ــ ایالات متحده ــ اسناد و مدارک. ۵. ایران ــ روابط خارجی ــ انگلستان ــ اسناد و مدارک.
الف. عظیمی، فخرالدین، ۱۳۳۲ - . ب. سروری، مهین (رجائی)، ۱۳۱۴ - . ج. عنوان.
DSR۱۵۱۵/ر۳الف۵ ۹۵۵/۰۸۲۴۰۷۲
کتابخانه ملی ایران ۸۲-۲۸۵۰۲م

انتشارات قلم

اسناد سخن می‌گوید (جلد اول)

پژوهش و برگردان: دکتر احمدعلی رجائی ـ مهین سُروری (رجائی)

نوبت چاپ: اوّل ـ ۱۳۸۳

چاپ: پژمان

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

بها دوره ۲ جلدی: ۱۸۵۰۰ تومان

ناشر: شرکت انتشارات قلم

تهران ـ تقاطع بهار و سمیه ـ ساختمان ایرج ـ طبقه همکف ـ شماره ۶

تلفن: ۸۸۲۹۳۶۴-۸۳۱۲۸۹۳

شابک جلد اول: ۹۶۴-۳۱۶-۱۳۱-۵ ISBN: 964-316-131-5

شابک دوره: ۹۶۴-۳۱۶-۱۳۲-۳ ISBN: 964-316-132-3

CamScanner

۱. رونوشت به سفارت امریکا در لندن فرستاده شد.
۲. در ۲۷ آوریل علاء ناگهان استعفا کرد و وزارت امور خارجهٔ امریکا تلگرافی از گریدی پرسید که آیا انگلیسی‌ها مسئول آن بوده‌اند؟ (تلگراف ۱۹۷۶ به تهران، ۲۸ آوریل). گریدی جواب داد هیچ نشانه‌ای که مسئولیت انگلیسی‌ها را نشان دهد وجود ندارد. علاء در مصاحبهٔ ۳۰ آوریل خود اشاره کرد که علت استعفای او این بوده است که مصدق و کمیسیون ویژهٔ نفت همواره دولت وی را نادیده می‌گرفتند و مستقیماً به مجلس مراجعه می‌کردند. (تلگراف‌های ۲۶۰۳ و ۲۶۳۳ از تهران، ۲۱ آوریل و اول ماه مه.) دو روز پس از استعفای علاء، شاه نخست‌وزیری دکتر مصدق را مورد تصویب قرار داد.

سند شمارهٔ ۱۸

تلگراف: ۷۵۱-۰۰/۵-۷۸۸

از سوی گریدی سفیر در ایران به وزارت امور خارجه[1]

تهران، ۷ مه ۱۹۵۱، ظهر

سرّی

۲۶۹۲. روز شنبه ناهار را با شاه صرف کردم. حال وی بهتر است ولی هنوز نگران سلامت خویش است. وی از بابت قانون مصوب در بارهٔ نفت و انتخاب مصدق بسیار اندوهگین است، ولی براساس روش‌های معمول گذشته، هیچ چاره‌ای جز پذیرفتن هر دو موضوع نداشته است. وی اعلام کرد که انتظار ندارد مصدق مدت زیادی بر سر کار باقی بماند. او نسبت به حل رضایت‌بخش موضوع نفت بدبین است. من هرگز وی را آشفته و بهم‌ریخته، آن طور که ما چند بار به نقل قول از سوی شبرد گزارش دادیم، نیافتم. وی در تفکر خود بسیار روشن و معقول است. او در بارهٔ انگلیسی‌ها چندان صحبتی نکرد. ولی علاء به من می‌گوید که شاه عقیده و اعتماد خود را نسبت به انگلیسی‌ها از دست داده و نگران اقدامات احتمالی آنان است. من به شاه و رهبران دیگر ایران گفته‌ام که روش انگلیسی‌ها سازش‌جویانه است و چنانچه با همان روحیه با آنان روبرو شوند، می‌توانند در بارهٔ موضوع نفت قراردادی موافق رضایت طرفین تنظیم کنند. تعدادی از ایرانیان در گفتگو با من از آخرین سخنرانی موریسون در مجلس عوام ابراز خوشنودی کردند. من شنبه شب دیداری با گروهی از سناتورها، از جمله با علاء، داشتم (تلگراف ۲۴۸۸ سفارت، ۱۹ آوریل)[2]. آنها به من اطمینان دادند که مصدق در بارهٔ موضوع نفت شتابزده اقدام نخواهد کرد. آنان با من هم‌عقیده بودند که کمیسیونی که بزودی منصوب خواهد شد باید سر فرصت کلیهٔ واقعیات و همهٔ کمک‌های فنی مورد نیاز را در نظر بگیرد. آنها به ویژه تقی‌زاده، فکر می‌کردند که گزینش مصدق ممکن است توفیقی ناخواسته باشد زیرا وی تنها کسی است که

می‌تواند برنامه‌ای را به مجلس ارائه کند که امکان پذیرفته شدن داشته باشد. این گروه عقیده داشتند که همگی، از جمله انگلیسی‌ها، باید سخت بکوشند تا با مصدق همکاری کنند و او را در جهت معقولی هدایت نمایند. البته من نیز موافق بودم. ما همه موافق بودیم که مصدق شخصاً توانائی و قابلیت واقعی حل و غلبه بر این مشکل یا هر مشکل دیگری را ندارد. وی قابل اطمینان نیز نیست، چه گفت‌وگوهای مرا با خودش برای شاه کاملاً تحریف کرده است، ولی در تلاش است که منافع کشورش را، آن گونه که استنباط می‌کند، به بهترین وجه تأمین کند. همه موافق بودند که مسئلهٔ نفت نمادی است برای ابراز احساسات ناسیونالیستی. ایرانیان برای نخستین بار می‌توانند قد، ت‌هایی را که در گذشته بر آنها مسلط بوده‌اند به چالش بطلبند. تعصب و خشک‌مغزی تصویری از عقدهٔ «استقلال»طلبی است که من در چند کشور دیگر مشاهده کرده‌ام. این موضوع به هیچ وجه بد نیست، چه در نگرش نسبت به روسیه نیز تأثیر دارد، نوع صحیح میهن‌دوستی می‌تواند این کشور را از یأس و ناامیدی برهاند. علاء به من اظهار کرد که مصدق سمت وزارت امور خارجه را به وی پیشنهاد کرده بود، ولی هنگامی که با یکدیگر تبادل نظر کردند، علاء نتوانست عقیده «بی‌طرفی» مصدق را بپذیرد.

علاء بر طرفداری استوار از بلوک غرب اصرار دارد، ولی مصدق عقیده دارد که ایران باید روسیه را «آرام و ارضاء» کند، بنابراین، علاء به سمت وزیر امور خارجه منصوب نگردید. من نسبت به آیندهٔ ایران بدبین نیستم. علی‌رغم انتقادات شدید از امریکا در برخی ایام، ایرانیان به ایالات متحده عقیده دارند و می‌دانند که ما در این کشور دنبال چیزی جز رفاه و استقلال آنان نیستیم. آنان به خاطر آهستگی زیاد و کمی میزان کمک‌های ما مأیوس شده‌اند، ولی می‌توانیم در ماه‌های آینده آن را جبران کنیم. روس‌ها هیچ کاری برای آنها انجام نمی‌دهند، بنابراین زمان، علی‌رغم تبلیغات موذیانه و سازمان‌یافتهٔ شوروی علیه ایالات متحده، به نفع ما در گذر است.

تمام افراد گروه موافق بودند که مصدق تمایلی به استفاده از وام بانک صادرات و واردات ما ندارد و آن را خیلی کم و خیلی دیر تلقی می‌کند. شاه به من اصرار کرد که روی موضوع وام فشار زیادی نیاورم تا اینکه دولتی موافق‌تر و دلسوزتر سر کار بیاید. من بیش از هر زمان دیگری مجاب شده‌ام که ما باید یک وام صد میلیون دلاری به رزم‌آرا می‌دادیم تا آن را به رخ مجلس می‌کشید. شرایطی را که من توصیه نمودم می‌توانست ما را حفظ کند. چه می‌شد اگر آنها می‌گفتند که ما قول صد میلیون دلار داده بودیم، در حالی که حالا هم می‌گویند ما به آنها وعدهٔ ۲۵۰ میلیون دلار را داده‌ایم. چنانچه ما مخاطرات ناشی از متهم شدن به نقض عهد را با خطراتی که اینک با آن مواجه هستیم مقایسه کنیم، نباید تردید زیادی در مورد انتخاب گزینه خردمندانه برای ما وجود داشته باشد. من نگران آنم که برنامهٔ ریاست‌جمهوری برای دادن کمک بلاعوض پیش از آنکه من فرصت دیدار مصدق را پیدا کنم و نظر وی را به اتخاذ تصمیم نسبت بدان وام

جلب کنم، اعلام شود. از نظر اعتبار و حیثیت امریکا من نمی‌توانم به وی فشار بیاورم، گرچه به زودی برای این موضوع وی را ملاقات خواهم کرد.

گروه من در بارهٔ اینکه هرگاه دولت مصدق سقوط نمود چه باید کرد، گفتگوهائی انجام دادند. همهٔ آنها مؤکداً عقیده داشتند که جانشین‌سازی «مردی قدرتمند» و داشتن دولتی که با فرمان کشور را اداره کند، اشتباه خطرناکی است. به نظر آنان، چنین دولتی موجب بروز طغیان علیه شاه می‌شود و مملکت را به هرج و مرج خواهد کشاند.

گریدی

---

۱. رونوشت به سفارت امریکا در لندن مخابره شد.

۲. گریدی در تلگراف ۲۴۸۸ گزارش داد که وی مدتی است با گروهی از سناتورها مرکب از تقی‌زاده، شفق، صدیق، مسعودی، و علاء نخست‌وزیر برای بحث در بارهٔ مسائل ایران ملاقات می‌کند (۸۸۸.۲۵۵۳/۴-۱۹۵۱).

سند شمارهٔ ۱۹

تلگراف: ۸۸۸.۲۵۵۳/۵-۷۵۱

از سوی گریدی سفیر در ایران به وزارت امور خارجه[1]

تهران، ۷ مه ۱۹۵۱، ۳ بعد از ظهر **سرّی**

۲۶۹۴. ذیلاً ارزیابی این سفارت از استراتژی و چشم‌اندازهای مربوط به دولت مصدق، در پرتوی رویدادهایی که در تلگراف‌های مورخ سوم و هفتم مه[2] گزارش گردید، به آگاهی می‌رسد:

۱. مصدق تمام توجه دولت خود را بر روی حل مسئلهٔ نفت با کنار گذاشتن تقریباً هر موضوع دیگری متمرکز خواهد ساخت. موضوع اصلاح نظام انتخابات نیز که ظاهراً مورد توجه وی و از اولویت برخوردار بوده، چنانچه با مخالفت جدی مجلس روبرو شود، کنار گذاشته خواهد شد. همچنین از مجلس خواسته می‌شود به جای بودجه‌های ماهیانه مجموع بودجهٔ سال جاری برای تصویب مطرح شود ولی زیاد بر تصویب آن اصرار نخواهد شد.

۲. انتخاب اعضای کمیسیون مختلط نفت احتمالاً به سرعت انجام خواهد شد. اگرچه اعضای جبههٔ ملی به طور خصوصی تلاش برای تأثیرگذاری در گزینش آن را انکار می‌نمایند، ولی به نظر کاملاً محتمل می‌رسد که مصدق به میزان زیادی در انتخاب اعضا

مشترک روبرو می‌شوند پدید می‌آید. به نظر می‌رسد که انگلیسی‌ها ارزش کوشش‌های ایالات متحده را در جستن راه‌حل به خوبی درک می‌کنند. آنها حتی در بارهٔ حمایت کامل و آشکار ایالات متحده از موضع آنها، یا پاسخ نامهٔ اتلی به ریاست جمهوری صحبتی نکردند. تلگرافی را که من بلافاصله بعد از این خواهم فرستاد[۳]، خط‌مشی نحوهٔ تهیه پاسخ این نامه را پیشنهاد می‌کند[۴].

هریمن

۱. رونوشت برای سفارت در تهران، تنها برای ملاحظهٔ شخص سفیر مخابره شد.
۲. هریمن در ۲۷ اوت، به دنبال مذاکره با تیتو در بلگراد، برای مذاکرهٔ بیشتر با انگلیسی‌ها در لندن توقف کرد و سپس با واشنگتن بازگشت.
۳. چاپ نشده است.
۴. تلگراف شمارهٔ ۱۰۹۹ از لندن به تاریخ ۲۸ اوت (۸۸۸.۲۵۵۳/۸-۲۸۵۱).

سند شمارهٔ ۷۹

تلگراف: ۸۸۸.۲۵۵۳/۸-۳۰۵۱

از سوی گریدی سفیر در ایران به وزارت امور خارجه[۱]

تهران، ۳۰ اوت ۱۹۵۱، ۲ بعد از ظهر **سرّی**

۸۶۸. دیروز شاه از من خواست که با وی دیدار کنم. من امروز صبح، با وقت قبلی، با نخست‌وزیر ملاقات کردم[۲]. شاه می‌خواست در بارهٔ وضعیت عمومی ایران در پی ناکامی در دستیابی به توافقی در بارهٔ مسئلهٔ نفت، با من گفت‌وگو کند. من به این دلیل درخواست ملاقات با مصدق را کردم که می‌خواستم با او در بارهٔ وضعیت عمومی کشور تبادل نظر نمایم، چون او را در تمام ایامی که هریمن اینجا بود ندیده بودم. من قصد وساطت در کاری را ندارم، ولی طبیعی است که اگر در طرز تفکر نخست‌وزیر و گروه او دگرگونی‌هایی پدیدار شود، لازم است که وزارت امور خارجه از آن آگاه گردد.

در مذاکرات من با شاه هیچ مطلب مهمی وجود نداشت، وی عمیقاً از شکست مذاکرات دلسرد و مأیوس شده است، ولی فکر نمی‌کند که بتواند در این زمان بخصوص در کارهای مصدق دخالت کند. وی امیدوار است که تحولات مصدق را از میدان به در کند و انتخاب نخست‌وزیر خردمندی را ممکن سازد. او در بارهٔ مقاصد واقعی مصدق نظرپردازی‌هائی کرد که هیچ

بانبرایت رسید.
۲. نکه به: پی‌نوشت ۲ سند قبلی.

سند شمارهٔ ۸۴

تلگراف: ۸۸۸.۱۰/۸-۲۷۵۱

از سوی وب کفیل وزارت امور خارجه به سفارت در ایران[۱]

واشنگتن، ۷ سپتامبر ۱۹۵۱، ۲ بعد از ظهر **کاملاً سرّی**

۵۲۴. فقط برای ملاحظهٔ سفیر گریدی. با اینکه ما کاملاً اهمیت نظریات مهم بیان شده در تلگراف شمارهٔ ۸۱۴ مورخ ۲۷ اوت شما[۲] و در پیام‌های قبلی‌تان در بارهٔ همین موضوع را درک می‌کنیم، در مقابل این برداشت فکری ایران که دریافت سریع وام بانک صادرات و واردات را، از پیش قطعی فرض می‌کند، باید ایستادگی شود. به دلایلی که ذیلاً بیان می‌گردد ما اکنون نه می‌خواهیم در مورد وام به شیوهٔ معمول اقدام کنیم و نه مایلیم ایرانیان این برداشت را داشته باشند که ما اکنون وام را به عنوان یک جنگ‌افزار سیاسی در مناقشهٔ نفت به کار می‌بریم. بنابراین، ضروری است که فرمولی ابداع کنیم که با نیازمندی‌های مزبور تطبیق خواهد نمود.

دلایل ما برای کُند عمل کردن در جریان پرداخت وام عبارتند از:

۱. دولت کنونی ایران مایل است اقدام ما را به عنوان نشانهٔ حمایت امریکا از موضع ایران در مناقشهٔ نفت به کار ببرد و ممکن است در ادامه بر روش سرسختانهٔ خود تشویق شود و این موضوع را بعنوان نشانه و دلیل حمایت امریکا از تقویت و تحکیم موضع سیاسی داخلی خود بکار ببرد.

۲. ناکام ماندن دولت مصدق در انجام دادن کاری برای کشورش، چه در باره حل اختلاف نفت، یا در زمینه تحصیل وام‌های خارجی، ممکن است موجب پیدایش نگرش خردمندانه‌تری گردیده، و اگر موجب تغییر دولت نشود، موجب دگرگونی در سیاست آن دولت بشود.

۳. اگر ایران در نتیجهٔ نابخردی خود و هرج و مرج اقتصادی به دست کمونیست‌ها بیفتد، موقعیت خوب ایالات متحده در ایران ارزشی نخواهد داشت. بنابراین، ما باید در حال حاضر، به منظور حفظ استقلال ایران در آینده، که به میزان زیادی به حل مسئلهٔ نفت بستگی دارد، مایل باشیم برخی مخاطرات را بپذیریم.

۴. ادامهٔ پیشروی در راستای اعطای وام، بی‌جهت به روابط ایالات متحده و بریتانیا آسیب